

واکاوی مفهوم «احسان» در دیوان صائب تبریزی

کامران پاشایی فخری^۱

ندا یانس^۲

چکیده

بررسی مضامین اجتماعی آثار هر شاعر یا نویسنده‌ای می‌تواند بیان‌گر گرایش‌های اجتماعی آن شاعر یا نویسنده باشد، گرایش‌هایی که نشأت گرفته از شرایطی است که هنرمند در آن زندگی می‌کند، بنابراین برای شناخت هر شاعر یا نویسنده‌ای باید به بررسی گرایش‌های اجتماعی او پرداخت. سرمایه اجتماعی در ادب فارسی دارای مفاهیم و مضامین فراوان است و شاکله اصلی هر موضوع ادبی را تشکیل می‌دهد؛ چرا که مفاهیم، واژه‌ها، علائم، نشانه‌ها و نمادهای ادبی هر کدام به نوعی با سرمایه اجتماعی پیوند خورده است. شاخص‌هایی چون احسان، اعتماد، امید، انصاف، صبر، صلح، عدل، عقل و جز این موارد هر کدام جزئی از سرمایه‌های اجتماعی هستند. هدف از پژوهش حاضر این است که با بررسی کاربردهای خاص و متنوع از مفهوم احسان که صائب در حیطه آن فراوان به نظریه‌پردازی پرداخته است به این پاسخ برسیم که دیدگاه صائب نسبت به مسایل اجتماعی در جامعه چگونه است؟ صائب تبریزی برجسته‌ترین شاعر سبک هندی است که دیوان او مملو از مسایلی است که از زمینه‌های اجتماعی نشأت گرفته است. از آن‌جا که اجتماع و مسایل مرتبط با آن یکی از ویژگی‌های شعری صائب است، وی توجهی خاص به مسایل اجتماعی عصر خود داشته و کیفیت روابط و پرداختن به امور مرتبط با انسان‌ها، مشکلات و مسایل جامعه عصر خود را در استخدام تصویرسازی شعری درآورده است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، احسان، ادبیات فارسی، صائب تبریزی، تصویرسازی شعری.

۱- استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد تبریز pashaei@iaut.ac.ir

۲- دکترای زبان و ادبیات فارسی و مدرس دانشگاه چرخ نیلوفری آذربایجان neda.yans.2016@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۷

مقدمه

جامعه یک کلیت است و سرنوشت جامعه در سرنوشت همه اعضا تأثیر دارد. هر رخداد زیبایی در جامعه قطعاً برای همه اتفاق می‌افتد و هر رویداد زشتی دامن همه را فرا می‌گیرد.

«دیگر جنبه سرمایه اجتماعی، قابلیت و کارایی چشمگیر آن در تبیین و توضیح مسایل اجتماعی است. در صورت توجه دقیق به مؤلفه‌های این مفهوم در می‌یابیم که این مؤلفه‌ها در شناخت و تحلیل آسیب‌ها نقشی به‌سزا دارند و راه‌کارهایی مناسب را در بحث پیگیری پیشنهاد می‌کنند.

این گونه دغدغه‌های و توجهات روشن‌فکرانه، در واقع پس زمینه ایجاد انگیزه اندیشیدن در زمینه سرمایه اجتماعی در بین اندیشمندان علوم اجتماعی است تا به این ترتیب راه‌های جدید حفظ نظام اجتماعی و پیشگیری از مسایل و آسیب‌های اجتماعی از یک طرف و توسعه همه جانبه از طرف دیگر بررسی شود.» (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۵۳۱)

«ذکر این نکته مهم است که آنچه سرمایه اجتماعی را به حیطة بهزیستی اجتماعی می‌آورد تأکید آن بر روابط و ارزش‌ها به عنوان عوامل مهم در تشریح ساختارها و رفتارها است. به‌طور دقیق‌تر، سرمایه اجتماعی با تمرکز بر ساختارهای اجتماعی سطح میانی مانند خانواده، همسایگان، انجمن‌های داوطلبانه و نهادهای عمومی، سبب انسجام افراد و ساختارهای گسترده اجتماعی می‌شود.

بخش اصلی بحث حاضر دربارهٔ مباحث اندیشمندانی چون بوردیو^۱، کلمن^۲ و پاتنام^۳ است، مایکل فالی^۴ و باب ادواردز^۵ معتقد هستند که بوردیو، کلمن و پاتنام «ارمغان‌دهندگان شاخص» در متون سرمایه اجتماعی به شمار می‌روند. به اعتقاد فیلد، آنان سرمایه اجتماعی را از استعاره به مفهوم تبدیل کردند.» (فیلد، ۱۳۸۵: ۱۹)

«بعضی از صاحب‌نظران ادعا دارند که نظریه بوردیو، منسجم‌ترین نظریه جامعه‌شناسانه در تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی است. دیدگاه بوردیو، رویکردی چپ‌گرایانه است به اعتقاد او سرمایه به فرد اجازه می‌دهد که سرنوشت خود و دیگران را در اختیار بگیرد.» (ریترز، ۱۳۷۴: ۷۲۴)

«از اندیشمندان دیگری که به مقوله اعتماد توجه ویژه‌ای داشته است، می‌توان به پاتنام اشاره کرد. پاتنام «احسان» را یکی از مؤلفه‌های حیاتی و اساسی سرمایه اجتماعی می‌داند. او سرمایه اجتماعی را به عنوان شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و خودجوش معرفی می‌کند که به وسیله اعتماد گسترش یافته‌اند. اعتماد و احسان به طور

1. Pierre Bourdieu
2. Coleman
3. Putnam
4. Michael
5. Bob Edwards

متقابل به هم ديگر وابسته هستند: اعتماد و احسان از زندگى گروهى پديد مى آيد و در همان زمان، امكانات خودجوش را براى شكل گيرى و تشكيل انجمن ها فراهم مى سازد. تنورى سرمايه اجتماعى فرض مى كند كه هر چه بيش تر با افراد ديگر ارتباط داشته باشيم، بيش تر به آن ها اعتماد مى كنيم و برعكس.» (پاتنام، ۱۳۸۰: ۶۶۵)

«كلمن از منظر كنش عقلاى به موضوع اعتماد توجه مى نمايد، به نظر او در رابطه اعتماد، دست كم دو طرف وجود دارند: اعتماد كننده و امين. فرض اين است كه هر دو هدفمند مى باشند و هدف آن ها تأمين منافعشان است، صرف نظر از اين كه اين منافع چه باشند، تصميم اعتماد كننده بالقوه، هميشه مسئله برانگيز است. تصميم بر اين كه آيا به امين بالقوه بايد اعتماد كرد يا نه، تنها اعتماد كننده بالقوه نيست كه بايد تصميماتش را در نظر گرفت.» (كلمن، ۱۳۷۷: ۱۵۲-۱۵۴)

بر اساس ديده گاه اين نظريه پردازان، سرمايه اجتماعى عبارت از ارتباطات و شبكه هاى اجتماعى اى است كه مى توانند حس همكارى و اطمينان را در ميان افراد يك جامعه پديد آورند. از اين رو، شناخت عوامل مؤثر در تقويت يا تضعيف سرمايه اجتماعى مى تواند در گسترش ابعاد سرمايه اجتماعى كمك كند و موجب افزايش عملکرد اجتماعى و اقتصادى افراد در جوامع شود. مفهوم سرمايه اجتماعى كه صبغه جامعه شناسانه دارد، بستر مناسبى براى بهره ورى سرمايه انسانى و فيزيكى و راهى براى نيل به موفقيت قلمداد مى شود. هدف از مقاله حاضر، پي بردن دقيق به معنای گسترده احسان در غزل هاى (۷۰۱۵-۲۵۰۱) ديوان صائب تبريزى است.

هم چنين مقايسه ديده گاه هاى صائب تبريزى با جامعه شناسان در مورد اين شاخص و درك تفاوت ها و شباهت هاى هر دو ديده گاه و مهم تر از همه به عمل در آوردن اين مفهوم عميق اخلاقى در زندگى فردى و اجتماعى است. از آن جا كه صائب تبريزى در وسعت نظر، بلندى فكر، احاطه بر قواعد اخلاقى، فلسفى، عرفانى، و مسايل اجتماعى مهارت هاى بي بديل داشته است، به خوبى ابعاد مختلف سرمايه اجتماعى كه هنوز از پيدايش آن در علوم اجتماعى دهه اى نگذشته، قرن ها پيش در اثر جاودان او به چشم مى خورد. به عنوان نمونه به موارد زير اشاره مى كنيم:

بر اساس بررسى هاى انجام گرفته در عالم حتى ذره اى ناچيز هم از نور حق بهره اى دارد، پس انسان بايد ديده عبرت بين خود را بگشايد تا دنيا از وي قطع اميد نمايد هم چنان كه دل خوش مشرب من با كل عالم صلح كرده است و به خاطر صفائش با همه چيز مى سازد و مدارا مى كند.

دل خوش مشرب من صلح كل كرده است با عالم كه آب صاف با هر شيشه اى يك رنگ مى گردد

(صائب، ۱۳۹۳: ۳/۱)

صائب در اين بيت تصويرسازى زيبايى كرده است. منظور وي از عالم، انسان به علاقه ذكر كل و اراده جزء مى باشد. و با عبارت «يك رنگ گردیدن»، صاف و ساده بودن را ارايه كرده است.

این رویکرد، یعنی یک رابطه اجتماعی سالم که صائب با همه به دور از تعصبات در همه جا و با کل مردم دنیا صلح برقرار می‌نماید و ادامه می‌دهد و می‌گوید که: ای انسان اگر بر ظلم و جور این روزگار صبر کنی سفیدرو بیرون می‌آیی. اگر کسی که می‌خواهد در این گلشن لیبی خندان تر از گل داشته باشد باید با تمام وجود بر خدا توکل کند و تنها در این صورت است که می‌تواند در سایه این پشتوانه قوی خاطری فارغ از هر دو عالم داشته باشد.

هر که زین گلشن لیبی خندان تر از گل بایدش
خاطری فارغ ز عالم چون توکل بایدش
(همان، ۳/۲۳۷۵)

گلشن در این بیت استعاره از این دنیا می‌باشد و شاعر چهره خندان را به گل تشبیه کرده است. هر چند هدف صائب پرداختن به مسایل اجتماعی نبوده است و به طور مستقیم آرای مشخصی در امور اجتماعی ابراز نکرده ولی از آن جا که اساس نگرش اجتماعی در نظریه سرمایه اجتماعی توجه به پیوند متقابل انسان‌ها و فواید آن‌ها دارد و هدف شاعر پرداختن به امور مرتبط با انسان است، بسیاری از این مفاهیم سرمایه اجتماعی در دیوان صائب مشهود بوده و مورد بررسی قرار گرفته است. صائب تبریزی چون جامعه‌شناس نبوده، طبیعی است از زاویه دید آن‌ها به طور تخصصی وارد مباحث نشده، اما همان مفاهیم را با دید خود و به بیان شاعرانه در ضمن مسایل دیگر مطرح نموده و در این کار نیز بسیار موفق عمل کرده است.

۱. ادبیات نظری پژوهش

۱-۱. پیشینه پژوهش

در زمینه اشعار، دیدگاه و مقوله‌های مختلف در شعر صائب، آثاری به چاپ رسیده است که از جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- مقاله: «بررسی مفاهیم اخلاقی در دیوان صائب تبریزی»، حمید جعفری قریه علی و مریم جعفرزاده، دو فصلنامه تخصصی علوم ادبی، زمستان، شماره ۵، صص ۱۰۶-۱۲۶، ۱۳۸۹. در این مقاله سعی شده است تا برخی از مفاهیم اخلاقی دیوان صائب که به گونه‌ای با آیات قرآنی در پیوند است، بررسی گردد و نتایج حاصل آن است که صائب در کنار مضمون‌های ظریف و باریک‌اندیشی‌ها از این منبع ارزشمند غافل نبوده و مستقیم و غیرمستقیم از کلام قرآن برای تبیین و تفسیر دیدگاه‌های اخلاقی خود بهره برده است.

۲- مقاله: «بررسی فضایل اخلاقی جود و کرم در غزلیات صائب»، مهدی سلحشور فرد ایوبیق، دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، شهریور، ۱۳۹۴؛ شماره ۱۰، صص ۱۸۰-۲۰۰. نویسنده در این مقاله به کارکردهای جود و کرم در غزل صائب پرداخته است و چنین نتیجه گرفته که صائب با طرح انواع فضایل، از

جمله جود و کرم، شاعرانه تلاش می‌کند ضمن وارد ساختن مخاطب در فضای اخلاقی، آدمی را به نیازهای اساسی همنوع متوجه سازد.

۳- مقاله: «بررسی مضمون آفرینی با اشیای کم‌بسامد در دیوان صائب تبریزی»، یاسمن اصفهانی بلندبالایی، فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲، صص ۱۸-۳۶، نویسنده در این مقاله براساس مضمون آفرینی با اشیای کم‌بسامد، نشان می‌دهد که این عناصر جدا از آن که اسلوب معادله را برترین شگرد مضمون آفرینی می‌داند، ارزش هنری اشعار صائب و وسعت دامنه خیال او را نمایان می‌کند.

۴- مقاله: «بررسی و تحلیل علل ابهام و دیربایی مفهوم در اشعار صائب»، محمد حسین کرمی، فصلنامه تخصصی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی، زمستان ۱۳۹۵، شماره ۳۰، صص ۳۱-۶۲. نویسنده در این مقاله به بررسی عوامل ابهام‌افزین شعر صائب با تأکید بر عوامل هنری پرداخته است. تعدد صائب در ایجاد بعضی از ابهامات و در عین حال زیبایی‌های شعری به همراه تحلیل علت‌های ابهام شعر او، از یافته‌های این مقاله است.

۵- مقاله: «بررسی خرد و خردگرایی در دیوان صائب تبریزی»، مهدی رستمی، فصلنامه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، پاییز ۱۳۹۵، شماره ۳، صص ۷۱۳-۷۲۶. این پژوهش با هدف بررسی خرد و خردورزی در دیوان صائب نگارش یافته است. دستاورد اصلی جستار یادشده آن است که با استناد به ابیات صائب تبریزی مواردی بی‌شمار به چشم می‌خورد که ضمن به کار بردن استدلال‌های منطقی دلالت بر خردگرا بودن شاعر دارد، شواهد و قراین موجود در اشعار وی حاکی از این است که صائب خرد را مهم می‌داند و پایه و اساس اشعارش را تعقل تشکیل می‌دهد.

۶- مقاله: «کاربرد فرایند انتخاب و ترکیب در غزل صائب تبریزی»، سمیه آقا بابایی، سیزدهمین گردهمایی بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادب فارسی، مهر ۱۳۹۷، شماره ۴۴۴، صص ۸۰-۱۰۰. نویسنده در این مقاله به کاربرد ترکیب در غزل صائب پرداخته و به خوبی میزان بسامد ترکیب و انتخاب را در غزل صائب نشان داده است.

۷- مقاله: «تحلیل روان‌شناختی رنگ سرخ و سیاه در اشعار صائب»، سید کاظم موسوی، پژوهش‌های ادب عرفانی، زمستان ۱۳۸۹، شماره ۴، صص ۵۷-۹۲. نویسنده به بررسی روان‌شناسی رنگ سیاه و سرخ پرداخته است. در اشعار صائب دو رنگ سرخ و سیاه کاربرد برجسته‌ای دارند. رنگ سرخ نمایانگر شور و شوق و انگیزه‌های بی‌پایان او برای دست یافتن به تمام آرزوهایی می‌باشد که به گونه‌های مختلف از او سلب شده است. رنگ سیاه نماد تیرگی و نفی همه چیز است، اما همراهی این دو رنگ، نشان از تلاش شاعر برای رهایی از وضعیت به وجود آمده است و گویی هنوز امید به بهبود روزگار دارد.

۸- مقاله: «بررسی و تحلیل انواع سکوت و خموشی در کلیات سعدی و صائب»، مهدی زراعتی نیشابوری، فصلنامه تخصصی ادب فارسی، پاییز ۱۳۹۶، شماره ۱۱، صص ۱۷۲-۲۰۳. نویسنده به تحلیل و بررسی انواع

سکوت و خموشی در نگاه این دو شاعر پرداخته است. سعدی و صائب به عنوان معلمان اخلاق جامعه و استادان ترویج سلوک اخلاقی و فرهنگ، خموشی را ستوده و در ابعاد گوناگون عرفانی، عشقی و دینی به توضیح اهمیت این ویژگی اخلاقی پرداخته‌اند.

۹- مقاله: «بحث در تشبیه تمثیل و کارکرد آن در غزل صائب»، محمد حکیم آذر، نشریه فنون ادبی، تابستان ۱۳۹۵، شماره ۲، صص ۱۹۸-۲۱۵. این مقاله به بررسی غزل‌های صائب تبریزی از لحاظ کاربرد انواع تشبیه تمثیل و کارکردهای آن پرداخته و در یک طبقه‌بندی ساده آن را به سه نوع گسترده، نیمه فشرده و فشرده (اسلوب معادله) تقسیم کرده است. در شعر صائب تبریزی، دو گونه اخیر کاربرد فراوان دارد. به همین دلیل، صائب را شاعر تمثیل شمرده‌اند.

۱۰- مقاله: «تصویر کودکی، سازه تمثیل‌های صائب»، عفت نجار نوبری، هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، زمستان ۱۳۹۲، صص ۱۰۰-۱۱۵. در این مقاله نویسنده با گزینش تمثیل‌هایی که با مقولات کودکی در اشعار صائب آمده سعی در بررسی تقابل مفاهیم انتزاعی شاعر و ارتباط با تصویر کودکی، تبیین وجه تمثیل و تمثیل‌سازی کلیشه‌ای با تصویر و توصیف کودکی پرداخته است. تمثیل‌های ابداعی صائب با اندیشه و تخیل دقیق او همراه شده و بخشی از این تصاویر را در میان خود گنجانده است. صائب سازنده جهان زیبای تصاویری است که کودکان در آن حضور دارند و به تمثیل‌های او معنا و مفهوم بخشیده‌اند.

۲-۱. پرسش‌های پژوهش

- ۱- مقصود از مفهوم احسان در دیوان صائب تبریزی چیست؟
- ۲- واکاوی مفهوم احسان در دیوان صائب و اجرای آن در جامعه چه مشکلاتی را برطرف می‌سازد؟

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش

- ۱- سرمایه اجتماعی احسان، مجموعه‌ای از هنجارهای اخلاقی است که رفتارهای متقابل افراد در چارچوب آن‌ها شکل می‌گیرد و موجب تسهیل روابط اجتماعی می‌گردد.
- ۲- آگاهی از شاخصه سرمایه اجتماعی (احسان) به ویژه در شعر صائب می‌تواند به عنوان راهکاری در برقراری روابط اجتماعی مناسب و رفع مشکلات سیاسی و اجتماعی باشد.

۴-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

سرمایه اجتماعی مجموعه‌ای از ارزش‌ها و تعهدات اخلاقی است. دیوان صائب تبریزی از جمله منابعی به شمار می‌رود که علاوه بر مسایل ادبی و سیاسی به لحاظ مسایل اجتماعی و اخلاقی از اهمیتی ویژه برخوردار است و در حوزه سرمایه اجتماعی حاوی عناصر و مؤلفه‌هایی قابل توجه می‌باشد. در این مقاله یکی از شاخصه‌های اصلی

سرمایه اجتماعی (احسان) مورد بررسی قرار گرفته است تا با آگاهی از این یافته‌ها بتوان به عنوان راهکاری در برقراری روابط اجتماعی مناسب و دست‌یابی به سرمایه اجتماعی مفید از آن در جامعه استفاده کرد.

۱-۵. روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. بعد از آشنایی کامل با مفهوم سرمایه اجتماعی، با استناد به یکی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های آن؛ یعنی احسان در دیوان صائب تبریزی که مملو از مضامین سرمایه اجتماعی می‌باشد، پرداخته شده است.

۲. تعریف احسان

«واژه احسان، از ریشه «حُسن» به معنای زیبایی و نیکی می‌باشد که در قرآن در سه معنا به کار رفته است: ۱- تفضل و نیکی به دیگران، ۲- انجام و سروسامان دادن به امور و کارها به وجه نیکو و کامل، ۳- انجام اعمال و رفتار صالح. احسان در این کاربرد تقریباً مترادف با تقوا و پرهیزکاری است. توجه داشته باشید که اولین کسانی که خداوند در قرآن فرموده آنان را دوست دارد و به آنان عشق می‌ورزد متقین یا مؤمنین یا ... نیستند بلکه محسنین هستند. از همین جا برداشت می‌شود که تمامی واژه‌های متقین، مفلحین، مؤمنین و جز آن‌ها زیر مجموعه‌های محسنین هستند. از بررسی موارد کاربرد واژه «محسن» و مشتقاتش در قرآن، استفاده می‌شود که مقام محسنین در این کاربرد از برخی مقامات متقیان برتر است، و به طور کلی این واژه در این معنا و کاربرد خود بیش‌تر به کسانی اطلاق شده که از ایمانی راسخ و ثابت قدم در راه ایمان و انجام تکالیف الهی برخوردار بوده‌اند. از مشتقات ریشه اصلی این واژه (ح - س - ن) جمعاً ۱۹۴ کلمه به کار رفته است. کلمه «احسان» با مشتقاتش، ۳۴ بار و واژه «محسن» با مشتقاتش ۳۹ بار در قرآن کریم آمده است.» (روحانی، ۱۳۶۸: ۴۰۶/۱، ۷۵-۷۳/۲، ۵۰۱/۳)

۳. پیشینه احسان در جامعه

«با ترکیب افرادی که با هم زندگی می‌کنند، مولود جدیدی به نام اجتماع به‌وجود می‌آید. این مولود جدید نیز مانند خود افراد دارای حیات و ممت، شعور و اراده، ضعف و قدرت و جز آن‌ها می‌باشد. بدون شک از کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی - خانواده - تا بزرگ‌ترین نهاد - جامعه بشریت - همگی در استمرار حیات خویش به کمک‌های مادی و معنوی افراد خود نیازمند هستند. به همین جهت، در طول تاریخ هرگاه جامعه‌ای پدید آمده، افراد آگاه و صاحب‌نظر، به وضع تکالیفی برای مردم در برابر اجتماع یا به عبارتی دیگر قوانین اجتماعی پرداخته‌اند. در شرایع و سنت‌های قبل از اسلام، از قبیل شریعت حمورابی و قوانین روم قدیم، اموری درباره قوانین اجتماعی دیده می‌شود. ولی آن‌چه بیش‌تر خودنمایی می‌کند، این نکته است که شریعت اسلام از جهت جعل قوانین اجتماعی، در میان سایر شریعت‌ها و سنت‌ها ممتاز و پیشقدم است.»

با تمام پیشرفت‌های تمدن بشری در عرصه‌های گوناگون، هنوز هم هیچ جامعه دینی یا غیردینی و هیچ علم اجتماعی و اقتصادی روز، نیاز جامعه را به افراد خود، انکار نمی‌کند. از این گذشته، اگر جوامع در اعصار قبل به این مسئله کم‌تر توجه می‌نمودند، اما امروزه به دلیل پیچیدگی و پیشرفت جوامع، این قضیه از جمله مباحث پیش پا افتاده‌ای است که همه به آن توجه دارند.» (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۳۸۶)

۴. مفهوم « احسان » در دیوان صائب تبریزی

شاعران پارسی‌گوی ما از جمله «صائب تبریزی» بسیار ماهرانه و از تمامی ابعاد به موضوع سرمایه اجتماعی پرداخته و مضامینی چون دستگیری فقرا، نیکی به یتیم، احسان به خلق، احسان به خود، احسان بی‌منت، امر به کار خیر را به رشته نظم کشیده‌اند.

صائب اول خداوند را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید؛ هیچ قفلی با کلید دیگری باز نمی‌شود همان طوری که هر زبانی گوشه و هر گوشه زبانی دارد. هر کسی که از خوان قناعت لقمه نانی داشته باشد، می‌تواند هر شام چشم بر روی ماه عید بگشاید. شاهان محال است که سرزمین‌ها را تحت تسلط خود در نیاورند، اما جای هیچ غصه‌ای نیست، زیرا روزی هرکس که دهانی دارد می‌رسد. ای خدای عظیم در این دنیا هر مشت خاک هم از بخشش تو جانی دوباره گرفته و درون هر حبایی، عظمت جهانی نهفته است ما را از بخشش خود بی‌نصیب نفرما.

هر کف خاک ز احسان تو جانی دارد هر حبایی ز محیط تو جهانی دارد

(صائب: ۱۳۹۳: ۱۶۰۸/۳)

شاعر در این بیت تصویرسازی زیبایی کرده است، از مشت خاک، همه موجودات دنیا را قصد کرده که از نعمت خداوند بهره می‌برند، که در این جا به علاقه ذکر جزء - مشت خاک - اراده کل - تمام موجودات - شده است. سپس شاعر در خطاب به افراد بزرگوار می‌گوید، ای انسان آن هنگام سخن بدون غرض باشد در فرد تأثیر مثبت می‌گذارد، همان گونه که صدف آب روشن را تبدیل به گوهر می‌کند. وقتی که تصمیم و عزم، در راه صدق و راستی باشد راهبر و راهنما لازم نیست، چنان که اشتیاق وصل شکر به مورچه قدرت بال و پر را می‌دهد. در زمان قهر، بخشش از بزرگان بهتر است، همان گونه که بحر از موج سیلی می‌خورد تا عنبر بیرون می‌دهد.

در مقام قهر، احسان از بزرگان خوش نماست بحر سیلی می‌خورد از موج و عنبر می‌دهد

(همان، ۱۳۳۷/۳)

صائب در این بیت مراعات نظیر زیبایی را با کلمه‌های بحر، موج و عنبر به کار برده است، هم‌چنین می‌توان به تضاد میان قهر و احسان اشاره کرد.

و این گونه در سروده‌های زیر به سخن درمی‌آید: یا رب! قسمت ما نامرادان از این دنیا چه می‌باشد؛ چرا ماه کنعان روی خود را به سیلی تازه نگه می‌دارد؟ این بیماری که من دارم هیچ‌گونه دارو و شربت‌ی ندارد مرا تنها یاد و

بویی از آن سیمای خنده‌رو زنده جلوه می‌دهد. چه گل‌ها از ندامت و پیشمانی می‌توانست بچینند آن تردستی که پشت دست خود را از زخم دندان تازه می‌کرد. بر آن انسان روشن‌گهر که دعوی همت و مردانگی می‌کند گوارا باد که روی انسان‌های محتاج را از بخشش و احسانش خندان می‌گرداند.

ز شکر خنده پنهان او دل تازه می‌گردد ز احسان نهانی جان سایل تازه می‌گردد

(همان، ۱۳۹۸/۲)

ز احسان نهانی جان سایل تازه می‌گردد خوشا زخمی که سازد خنده پنهان نمک سودش

(همان، ۲۳۸۰/۲)

بر آن روشن‌گهر بادا گوارا دعوی همت که روی سایلان از شرم احسان تازه می‌دارد

(همان، ۱۴۳۸/۳)

صائب روی خندان را به شکر خنده تشبیه کرده که با خندیدن او دل انسان شاد می‌گردد، هم‌چنین در کلمات پنهان و نهان، ترادف به کار رفته و کاربرد حروف «س»، «ش» و «خ» باعث ایجاد موسیقی زیبایی شده است.

شاعر از زبان انسان‌های بخشنده متواضع چنین سخن می‌گوید، من در آن مرتبه‌ای نیستم تا سلیمان علیه السلام میهمان سفره من باشد حتی اگر موری هم مهمان من گردد از بی‌چیزی من، دل خود را می‌خورد. اگر همانند درخت چنار با دست خالی آتش برآورم از آن خوش‌تر است که چشمی در پی سامان دادن من باشد. چنان‌چه همت من در دنیا باعث خواری کسی شود آن را نمی‌خواهم، چرا باید انسان آزاده‌ای از این بخشش من احساس شرمندگی کند؟

اگر مستلزم خواری شود همت نمی‌خواهم چرا آزاده‌ای شرمنده احسان من باشد؟

(همان، ۱۵۰۴/۱)

احسانی که منت و آزاررسانی در پی داشته باشد، ارزشی ندارد و خداوند نیز در قرآن از آن نهی فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید.» (بقره/۲۶۴)

نقش هستی را در نظر انسان‌های عارف نمی‌توان یافت همان طوری که عکس در بحر محال است که نمایان باشد. انسان سخاوتمند و بخشنده کسی است بی‌زحمت طلب دنیا را به مستحق آن ببخشد و از این احسان و بخشش خود شرمنده هم باشد که نتوانسته چیز قابل توجه و در خور و لایقی را به وی عطا کند.

سخی آن است که بی‌رنج طلب دنیا را به گدا بخشد و شرمنده احسان باشد

(همان، ۱۶۶۷/۲)

شاعر تصویرپردازی در این بیت زیبایی با دو کلمه متضاد «سخی» و «گدا» آفریده است.

صائب بهترین اخلاق را احسان بی‌منت می‌داند و به احسان پنهانی نیز دعوت می‌کند؛ و خطاب به انسان می‌گوید: قدر وقت گران‌بهای خود را به آن و از آن غافل مشو؛ زیرا کسی که قدر و اوقات عمرش را بداند دارای همتی والا است. در کیش عارف هر نگاهی که از سر عبرت به عالم نباشد تیر خطا محسوب می‌شود. هم‌چنین فردی که اوراق هستی‌اش در شیرازه غفلت جای بگیرد پریشان خاطر می‌ماند. اگر انسان غرور و نخوت را کنار بگذارد دولت هر دو جهان را به‌دست می‌آورد و نیز در وصف اخلاق بزرگان هیچ خلقی بهتر از احسان و بخشش بی‌منت نمی‌باشد.

ز اخلاق بزرگان هیچ خلقی

به از احسان بی‌منت نباشد

(همان، ۲/۲۱۷۷)

به گفته صائب؛ نفس آدمی هنگامی که تهی‌دست باشد بیش‌تر در فرمان شخص است، مانند سگ که هنگام سیری از صاحبش روی گردان می‌گردد. همان‌گونه که آئینه تاریک، پرده‌پوش افراد زشت است، رغبت و تمایل دل نیز بیش‌تر به افراد نادان است. آزار و اذیت افراد سگ سیرت به درویشان و تنگ‌دستان فزون‌تر از زخم دندان بر روی خرقة درویشان است. همت انسان‌های والا از تیغ زبان مستمندان شاکر شرمسار می‌گردد و به آنان بیش‌تر بخشش و احسان می‌کند هم‌چنان‌که در شوره‌زار، ابر رحمت الهی بیش‌تر می‌بارد.

چرخ صائب بر مراد سفلگان گردد مدام

در زمین شور بارد ابر احسان بیش‌تر

همت از تیغ زبان شکر خجالت می‌کشد

در زمین شور بارد ابر احسان بیش‌تر

(همان، ۳/۲۲۲۵)

در جایی دیگر می‌گوید؛ اگر نمی‌خواهی در این زمانه کامت تلخ شود خوش‌گفتار باش چنان‌که پسته را شیرین‌زبانی در شکر می‌افکند. هرکس که خلق را از خود براند پذیرفته خالق می‌شود خوشا به حال آن که انسان‌ها را از نظر فرو می‌افکند و از آن‌ها ابایی ندارد. منصور انسان بزرگی بود و به اندازه‌ای از درجه کمال رسید که دنیا برایش تنگ شد و سرش گوی چوگان فنا گردید، همانند میوه که چون پخته شود خود را از درخت به پایین فرو می‌اندازد. در هنگام بخشش و احسان به یاد دوردستان که باشی از همت به شمار آید و گرنه هر نخلی به پای خود ثمر می‌دهد.

دور گردان را به احسان یاد کردن همت است

ورنه هر نخلی به پای خود ثمر می‌افکند

(همان، ۱/۱۲۶۴)

هم‌چنین شاعر در جای دیگر درباره مقام ارزشمند انسان می‌گوید؛ ای انسان باید سر در دامان تسلیم و رضا فرود آوری و اطلس افلاک را در زیر پا بگذاری. برای این عالم پرشور ساحلی جز تسلیم وجود ندارد و در محیط

بی‌کران باید دست از شنا کشید. من که همانند یوسف علیه السلام با خود قرار بندگی بستم که تلاش کنم پس چرا زیر بار منت و بخشش روم؛ زیرا شب کوتاه زود به خورشید بلند پیوند می‌خورد و روزهای سخت به پایان می‌رسد.
 من که چون یوسف قرار بندگی دادم به خویش از عزیزان منت احسان چرا باید کشید؟
 (همان، ۱۳۴۵/۲)

۵. انواع احسان از دیدگاه صائب

۱-۵. احسان خاص

صائب معتقد است زمین قابل دانه احسان را به کیمیا تبدیل می‌کند نه هر زمینی، هم‌چنان که قطره باران تنها در درون صدف به گوهر شهور تبدیل می‌شود نه هر جا. پس باید شخصی را که به او احسان می‌کنی بشناسی سپس به او احسان کنی. این بیت اشاره و تلمیح به این اعتقاد در نزد مردم دارد که قطره باران در داخل صدف تبدیل به مروارید می‌گردد:

کیمیای دانه احسان، زمین قابل است گوهر شهور گردد در صدف اشک سحاب
 (صائب، ۱۳۸۷: ۴۲۳/۱)

۲-۵. توصیه به احسان عام

صائب بر این باور است که احسان باید عام باشد و هدف احسان کننده جلب رضایت پروردگار عالم نه چیزی دیگر و در واقع این نوع احسان از نوع اول بهتر و برتر است. در این بیت آرایه تجرید به کار رفته است. صائب علی‌الظاهر خود را مورد خطاب قرار داده است:

ریزش ما را نظر صائب به استحقاق نیست پیش هر مرغی که باشد دانه می‌ریزیم ما
 (همان، ۱۴۳/۱)

۳-۵. توصیه به احسان به ایتم

صائب تحت تأثیر اندیشه‌های اسلامی و مضامین ناب قرآنی، ایتم را هم‌چون عیسی علیه السلام محترم می‌شمارد و خواستار احسان به آن‌ها است. در این بیت تلمیح به عیسی مریم شده است:

بی‌کس نواز باش که هر طفل بی‌پدر در منزلت به عیسی مریم برابر است
 (همان، ۹۲۸/۲)

۴-۵. احسان زاد سفر

به بیان صائب کسی که می‌خواهد زاد و توشه سفر برای راه پریچ و خم آخرت به دست آورد، باید به دیگران احسان کند و کار عملی انجام دهد و تنها به احساس همدردی و تأسف خوردن اکتفا نکند. مراعات‌النظیر بین واژه‌های «کف»، «دل» و «دیده» به کار رفته است.

حاصل ز دل و دیده خونابه فشان چیست؟

تخمی بفشان، توشه راهی به کف آور

(همان، ۱۰۶۷/۲)

۵-۵. احسان به سایل

صائب احسان به سایل را به عنوان بهترین خلق و خوی انسان و کاری ارزشمند و خداپسندانه معرفی می‌کند.

نباشد آدمی را هیچ خلقی بهتر از احسان که بوسد دست خود، هرکس که گیرد دست سایل را

(همان، ۱۹۴/۱)

۵-۶. احسان نهانی

صائب اعتقاد دارد که بهترین نوع احسان، احسان به صورت پنهانی است چون در این صورت آبروی کسی را که به او احسان می‌کنی، حفظ می‌نمایی. احسانی که به صورت پنهانی انجام گیرد آلوده ریا نخواهد بود. در دیدگاه او این نوع احسان موجب طول عمر احسان‌کننده می‌شود.

خوش است در دل شب دستگیری محتاج عبادتی که نهانی بود ریایی نیست

(همان، ۸۹۶/۲)

۵-۷. احسان به دیگران

صائب احسان به دیگران را بالاتر از احسان به خویشان می‌داند. جناس تام در کلمه «نخل» به کار رفته است.

ثمر در پای خود افشاندن از هر نخل می‌آید خوشا نخلی که فیض خود به جای دور می‌بارد

(همان، ۱۴۱۳/۳)

۵-۸. اهمیت احسان

در دیدگاه صائب احسان کردن و در واقع به دست آوردن دل مردم (طواف کعبه دل) بهتر از طواف کعبه گل

است.

به راه کعبه گل، پای سعی رنجه مکن که دستگیری مردم هزار چندان است

(همان، ۸۴۶/۲)

نتیجه گیری

همان گونه که تبیین شد، مفاهیم مطرح شده در سرمایه اجتماعی متنوع و متعدد است و هر کدام از جامعه‌شناسان از زوایای مختلف به آن پرداخته و در نتیجه دیدگاه‌هایی متفاوت هم درباره آن ارایه کرده‌اند ولی عمده مفاهیم سرمایه اجتماعی که بین اکثر جامعه‌شناسان مشترک است، رعایت اصول اخلاقی در روابط حاکم بر جامعه می‌باشد که کلیه این مفاهیم براساس تحقیق انجام شده در دیوان صائب مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به مباحث مذکور در متن می‌توان چنین نتیجه گرفت که احسان در جامعه، یکی از اصول مورد توجه همه شریعت‌ها و سنت‌ها به‌ویژه اسلام، در طول تاریخ بوده است. اسلام در راستای تحقق بخشیدن به هدف احسان در جامعه، برنامه‌هایی را به اشکال حقوقی و اخلاقی تنظیم کرده است. از دیدگاه اسلام، احسان در جامعه به دلیل این‌که زمینه‌های نابودی جامعه را از بین می‌برد و بستری مناسب برای حیات جامعه فراهم می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما درباره این شاخص در اشعار صائب می‌توان گفت که وی بسیار ماهرانه و از تمامی ابعاد به موضوع پرداخته و مضامینی چون دستگیری فقرا، نیکی به یتیم، احسان به خلق، احسان به خود، احسان بی‌منت، امر به کار خیر و باقیات الصالحات را در اشعار خود به تصویر کشیده است.

۱- به عقیده شاعر، همت و مناعت طبع افراد بخشنده آن‌قدر والا است که خشنود نمی‌شوند در دنیا انسان آزاده‌ای از این بخشش و احسان آن‌ها احساس شرمندگی کند، بلکه خودشان احساس شرم دارند از این‌که نتوانسته‌اند چیز قابل توجه و در خور و لایقی را به شخص مستحق ببخشند. و این نمونه احسان بی‌منت در جامعه می‌باشد؛

۲- صائب می‌گوید؛ ای انسان مراقب باش وقتی کمکی یا بخششی به مستمندی می‌کنی در ظاهر و ملاً عام نباشد که آبروی وی را بر باد می‌دهد، بنابراین باید از طریق واسطه یا پنهانی انجام گیرد؛

۳- احسان به دیگران نباید تأخیری در پیش یا منتهی در پس داشته باشد که این احسانی ناقص است و میوه دوستی را خام، کال و ناپخته به بازار پیوند اجتماعی می‌فرستد و تبعات منفی خواهد داشت؛

۴- به اعتقاد صائب، در هنگام بخشش و احسان خودنمایی نکردن و به یاد دوردستان بودن از نشانه‌های همت به شمار می‌آید می‌شود و گرنه هر نخلی به پای خود ثمر فرو ریزد؛

۵- هم‌چنین شاعر می‌گوید؛ دستگیری و کمک از نیازمندان دستگیری به بار می‌آورد و نیز هر کس که از کوری عصا بگیرد مطمئن باشد که بر زمین نمی‌ماند و تاوانش را می‌بیند؛

۶- به دنبال احسان و بخشش انسان‌های خسیس رفتن سودی جز پشیمانی و ندامت ندارد؛ زیرا آن‌ها یا چیزی را نمی‌دهند یا هر چه که می‌بخشند زود پشیمان می‌شوند و پس می‌گیرند؛

- ۷- در نظر شاعر دستی که از احسان و بخشش دیگران خالی شده باشد، همانند ابر بی باران است و سودی ندارد و تنها فضایی را اشغال می‌کند؛
- ۸- هنگامی که تصمیم به احسان و بخشش گرفتی همانند مینای می‌خنده‌رو باش و هم‌چون دریا روی خود را تلخ و طوفانی نکن؛
- ۹- صائب می‌گوید؛ فرد آزاده‌ای که تحمل کشیدن منت لطف و بخشش را بر خود ندارد داغ بیچارگی و نداری را تحمل می‌کند؛ اما زیر سایه فرد بخشنده که در نظرش همانند کوه غم، سنگین است، نمی‌رود؛
- ۱۰- به اعتقاد شاعر، لطف و بخشش را نثار اهل آن‌ها بکن که ظرفیت پذیرش آن را داشته باشد و به دیگران هم سودی برساند، همانند ابر که محیط روی زمین را شامل بارش پربرکت خود - یا همان بخشش - می‌کند؛
- ۱۱- در نگاه صائب، نفس بدذات و بداندیش افراد پرطمع با بخشش و احسان به‌راه نمی‌آید، چنان‌که سگ بیگانه حرمت‌آشنایی را رعایت نمی‌کند. پس بهتر است از تربیت و پرورش نفس بدذات این اشخاص در گذری چون تلاش پیوسته در راستای این سودی به دنبال ندارد؛
- ۱۲- از دیدگاه شاعر انسان نمی‌تواند رقیب و دشمنش را با بخشش و ایثار نسبت به خود مهربان کند، همان‌گونه که سگ وحشی و هار با طعمه‌ای رام نمی‌شود؛
- ۱۳- هم‌چنین بر این باور است؛ با احسان و بخشش می‌توانی خانه‌ات را از سیلاب حوادث پاک کنی که در این صورت در بی‌خبری و ناپاکی در اندک زمانی بسته می‌شود. پس ای انسان توانگر این مال و دولت دنیوی هر ساعت به دست دیگری می‌افتد، تا هنگامی که این فرصت در دست تو است با احسان و بخشش از مستمندان و فقیران دستگیری کن که خداوند کریم از هر دستی که می‌دهی هزار برابر به تو بخشش می‌کند؛
- ۱۴- از مجموع اشعار صائب درباره احسان می‌توان نتیجه گرفت که احسان و نیکوکاری، اگر به صورت یک فرهنگ، جلوه نماید و در میان اقشار مختلف جامعه، توسعه و گسترش پیدا کند، به طور قطع، بخش عمده‌ای از مشکلات جامعه را که برخاسته از فقر و محرومیت است، از میان می‌برد و ریشه کن می‌سازد. آثار یاد شده در صورتی نصیب انسان خواهد شد که رسیدگی و کمک به انسان‌های نیازمند برای رضای خداوند باشد و از ریا و خودنمایی و آزار و اذیت و منت‌گذاری جداً پرهیز شود.

منابع و مآخذ

۱. آقا بابايى، سميه (۱۳۹۷)، «كاربرد فرايند انتخاب و تركيب در غزل صائب تبريزى»، سيزدهمين گردهمايى بين‌المللى انجمن ترويج زبان و ادب فارسى، مهر، صص ۸۰-۱۰۰.
۲. اصفهانى بلندبالاى، ياسمن (۱۳۹۵)، «بررسى مضمون آفرينى با اشياء كم‌بسامد در ديوان صائب تبريزى»، فصلنامه تخصصى سبك‌شناسى نظم و نثر فارسى (بهار ادب)، تابستان، شماره ۲، صص ۱۸-۳۶.
۳. پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموكراسى و سنت‌هاى مدنى، ترجمه محمدتقى دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
۴. تاج‌بخش، كيان (۱۳۸۴)، گزارش بررسى کاربرد نظريه سرمايه اجتماعى در تحليل وضعيت تايمين اجتماعى در ايران، تهران: نشر آموزش.
۵. جعفرى قريه على، حميد و مريم جعفرزاده (۱۳۸۹)، «بررسى مفاهيم اخلاقى در ديوان صائب تبريزى»، دو فصلنامه تخصصى علوم ادبى، زمستان، شماره ۵، صص ۱۰۶-۱۲۶.
۶. حسين كرمى، محمد (۱۳۹۵)، «بررسى و تحليل علل ابهام و ديريابى مفهوم در اشعار صائب»، فصلنامه تخصصى تفسير و تحليل متون زبان و ادبيات فارسى، زمستان، شماره ۳۰، صص ۳۱-۶۲.
۷. حكيم آذر، محمد (۱۳۹۵)، «بحث در تشبيه تمثيل و كارگرد آن در غزل صائب»، نشریه فنون ادبى، تابستان، شماره ۲، صص ۱۹۸-۲۱۵.
۸. رستمى، مهدى (۱۳۹۵)، «بررسى خرد و خردگرابى در ديوان صائب تبريزى»، فصلنامه مطالعات ادبيات، عرفان و فلسفه، پاييز، شماره ۳، صص ۷۱۳-۷۲۶.
۹. ريتزر، جورج (۱۳۷۴)، نظريه‌هاى جامعه‌شناسى در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثى، تهران: انتشارات علمى.
۱۰. روحانى، محمود (۱۳۶۸)، المعجم الأحصايى لالفاظ القرآن الكريم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوى.
۱۱. زراعتى نيشابورى، مهدى (۱۳۹۶)، «بررسى و تحليل انواع سكوت و خموشى در كليات سعدى و صائب»، فصلنامه تخصصى ادب فارسى، پاييز، شماره ۱۱، صص ۱۷۲-۲۰۳.
۱۲. سلحشور فرد ايوريق، مهدى (۱۳۹۴)، «بررسى فضايلى اخلاقى جود و كرم در غزليات صائب»، دهمين همایش بين‌المللى ترويج زبان و ادب فارسى، شهريور، شماره ۱۰، صص ۱۸۰-۲۰۰.
۱۳. سيد موسوى، كاظم (۱۳۸۹)، «تحليل روان‌شناختى رنگ سرخ و سياه در اشعار صائب»، پژوهش‌هاى ادب عرفانى، زمستان، شماره ۴، صص ۵۷-۹۲.

۱۴. صائب تبریزی، محمدعلی (۱۳۹۳)، دیوان، به تصحیح محمد قهرمان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۱۶. فیلد، جان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، ترجمه جلال متقی، تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
۱۷. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، بنیادهای نظری سرمایه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
۱۸. نجار نوبری، عفت (۱۳۹۲)، «تصویر کودکی، سازه تمثیل‌های صائب»، هشتمین همایش بین‌المللی انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی، زمستان، صص ۱۰۰-۱۱۵.